

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی

برلین - ۲۳ جون ۲۰۱۵

جواب مقاله استاد بزرگوار داکتر هاشمیان

(قسمت سوم)

در نظر داشتیم، که طبق معمول سلسله مراتب را مراعات کرده و اولاً قسمت دوم این سلسله را عرضه بدارم، که در آن عطفی به گذشته مد نظر بود، تا پیشینه تاریخی موضوع را از نظر بگذرانم. مگر شرایط قسمی آمد، که قسمت دوم را به آخر موکول کرده و اولاً قسمت سوم را سر دست بگیرم.

اما در این قسمت:

بعد از نشر قسمت اول این گفتار آرزو و انتظار داشتیم، که استاد محترم داکتر صاحب هاشمیان بعد از تفصیلات ترسیمی و مثالگونه بنده، با وجدان عالمانه و از روی انصاف لب به سخن کشوده و از "عدم دقت نظری و عملی" خود اقرار کنند، که متأسفانه نکردند.

به برداشت من، لغت‌ویسی کاری ست، که حد اکثر دقت را ایجاب میکند، ولی تجربه هشتساله ام در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" و نشرات کلاسیک و انترنتی و طندارام نشان داده است، که این امر در مورد اکثریت مطلق چیزفهمان ما صدق نمیکند.

ضمن مقاله مؤرخ ۲۱ می ۲۰۱۵ خود زیر عنوان «ضرورت تدوین "قاموس دری"» بعد از تشریحات لازمه، پیشنهاد نموده بودم، که کتاب لغت نقد و تیار مرحوم پوهاند نسیم نگهت، که به نام "قاموس دری - انگلیسی" یاد میگردد، به دری ترجمه گردد؛ و این کاری میبود سریع الثمر و زودرس، که با مساعی اندک صورت گرفته میتوانست، البته با پرکردن خلاهای فراوانی که ناشی از فقدان بسا کلمات درین قاموس نشأت کرده اند.

در مقاله صریحاً پیشنهاد کرده بودم، که این کار به دست عناصر باصلاحیت و تازه نفس وطنم به سر رسد. استاد هاشمیان اما موضوع را هیبتی دیگر داده و یک "تیم کار" چندین نفره را جهت برآورده ساختن این مأمول پیشنهاد کردند. در پیشنهاد استاد دو نفر به حیث اعضای رابط و گویا سرپرست، مد نظر گرفته شده بودند، که عبارت باشند از خود داکتر صاحب سید خلیل الله هاشمیان و این درویش، خلیل الله معروفی.

طوری که از ظواهر پیداست، مسأله حالا شکل دیگری را به خود گرفته، که نظر به آن قاموس "دری - دری" گویا از نو تألیف گردد؛ یعنی که ترجمه "قاموس دری - انگلیسی" پیشنهادی این عاجز، یا به باد نسیان سپرده شد و یا که اصلاً نادیده گرفته شد.

وقتی نام افراد تیم پیشنهادی استاد هاشمیان را خواندم، تبسمی بر لبم نقش بست و فکر کردم که استاد هاشمیان کار را تا سرحد "دیگچه پزانی" سقوط داده اند و تیمی را پیشنهاد کرده اند، که اکثریت مطلق افراد آن، شایستگی فنی و مسلکی این کار را ندارند، به شمول شخص خلیل الله معروفی!!!!

- من شخصاً خود را خوب میشناسم و میدانم، که به دلایل مختلف - که فعلاً مجال گفتن آن نیست چنین کاری از من ساخته نیست!!!

- از طرف دیگر قدرت تشخیص اشخاص را در همین زمینه خاص هم در خود میبینم و میدانم، که با اکثریت مطلق اشخاص پیشنهادشده کار لایق شأن زبان دری و آنچه سزاوار مردم نجیب و تشنه لب و منتظر ما باشد، انجام داده شده نمیتواند. صرف نظر از بافت مسلکی، شخصیت و گذشته سیاسی چند نفر از تیم پیشنهادی استاد درخور تأمل است، و من شخصاً همکاری با چنین اشخاص را برای خود منتفی میدانم.

از نظر من، اشخاصی که تدوین یک قاموس جامع "دری - دری" را به عهده میگیرند، باید واجد این شرائط باشند:

- ۱ - زبان دری را درست آموخته باشند و با تمام کیف و کان و باریکیهای آن آشنا باشند
- ۲ - بر دستور زبان دری - به صورت تحلیلی و تطبیقی - تسلط داشته باشند
- ۳ - بر صرف عربی، و در حدی که لغات عربی دخیل در زبان دری ایجاد میکند، مسلط باشند
- ۴ - از شعر و ادب دری معلومات کافی داشته باشند
- ۵ - از متون قدیم نظم و نثر زبان دری و آثار متقن بزرگان و متقدمان، وقوف و برداشت کافی داشته باشند
- ۶ - با زبان و اصطلاحات عامیانه وطن، و بالخاصه زبان عوام کابلی، آشنائی کافی داشته باشند
- ۷ - با ضرب المثلهای کابلی - که در واقع مثلهای مندمج تمام افغانستان است - محشور باشند
- ۸ - با علم لغتشناسی آشنائی لازم و کافی داشته باشند
- ۹ - با رشته خاص قاموسنگاری آشنائی داشته باشند
- ۱۰ - لااقل بر یکی از زبانهای زنده جهان - و بالخاصه زبان انگریزی - مسلط باشند
- ۱۱ - قدرت و ظرفیت استفاده از قاموسهای "عربی" و "عربی - دری/فارسی" و "دری/فارسی - عربی" را داشته باشند.

ماده آخر ظاهراً پیش پای افتاده به نظر میرسد، در واقعیت امر مگر این طور نیست!!! شرح ذیل موضوع را روشن میسازد:

در قاموسهای عربی - خواه "عربی/عربی" باشد و یا ترجمه آن به "دری/فارسی" - لغات و کلمات تحت "ریشه اصلی" ردیفبندی گردیده اند و این طور نیست، که به مانند قاموسهای متعارف، تمام لغات مستقیماً و مستقلاً ردیف شده باشند. از همینجاست که استفاده کردن از چنین قاموسها، دانش جذری صرف عربی را ایجاد میکند؛ چون تا کسی با صرف عربی در حد اقل و لازم آن آشنائی نداشته باشد، از چنین قوامیس استفاده کرده نمیتواند. این نکته بر اکثریت مطلق

باسوادان و تعلیمیافتگان ما - به شمول بسا نویسندگان زبده - پوشیده است، ازین رو شرحی را در زمینه لازم میدانم و مستقیماً به صورت تطبیقی وارد میدان میشوم:

مثلاً میخواهیم کلمات "تکلم و انکشاف و اتساع و مظلوم و فاروق و قاسم و مطبوعه و مملکت و مصطفی و اعلان و تعیین" را در یک قاموس "عربی - دری/فارسی" پیدا کنیم. ما مردم، که مثلاً با کتب لغت "دری/فارسی" بلدیت داریم، این لغات را در چنین قاموسی سراسرست یافته نمیتوانیم. برای یافتن این کلمات، که همه کلمات مشتق میباشند، باید اول ریشه آنها را بشناسیم و بعد تحت ردیف همان "ریشه" کلمه مطلوب را پیدا کنیم. دانش ابتدائی "صرف عربی" برای ما این ظرفیت را میدهد، تا این لغات را اولاً "ریشه یابی" و "تشخیص ریشه" نموده و بعد آنها را تحت ریشه مربوط هرکدام بپالیم. پس برای یافتن لغات بالا باید ریشه های ثلاثی آنها را که عبارت از "کلام و کشف و وسعت و ظلم و فرق و قسم و طبع و ملک و صفی و علن و عین" میباشند، بدانیم و بعد زیر همین ردیف ریشه ها، تمام اشتقاقات مربوطه را پیدا نمائیم.

سؤال از استاد هاشمیان:

کسانی را که شما استاد بزرگوار، داکتر صاحب هاشمیان، پیشنهاد نموده اید، به استثنای دو سه نفر، کدام یک از باقیماندگان این شرائط را برآورده ساخته میتواند؟

از طرف دیگر باید کسانی وارد میدان گردند، که علاوه از مهارتهای فوق از انرژی شاداب جوانی برخوردار باشند؛ نه این که یک روز از درد شقیقه بنالند و روز دیگر از درد قلب و ستون فقرات و ...!!!

شایان تذکر است، که از فرهنگهای بیشمار مدون در ایران باید بدون تنگنظری، استفاده گردد، منتها با تطابق دادن کامل با مزاج و طبیعت زبان دری خود ما!!!! تنها مدار اعتبار قرار دادن "غیاث اللغات" - قسمی که در مخیله بعض افراد نقش بسته است - به حیث "مرجع مادر" و "نمونه مثال"، کار را به جایی نمیرساند.

متأسفانه در دریچه "ابراز نظر" پورتال "افغان جرمن آنلاین" یک نظر اصولی به نظرم نرسید، چون از طرف افراد فاقد صلاحیت و اهلیت مسلکی به میدان انداخته شده است!!!!!!

(خلیل معروفی - برلین، ۲۲ جون ۲۰۱۵)